

پیشگفتار

نیاز به نظارت و راهنمایی آموزشی در همه زمینه‌های مربوط به فعالیتهای تدریس و یادگیری اجتناب‌ناپذیر است. این نیاز، به ویژه زمانی که آموزش و پرورش دستخوش تغییرات و تحولات بنیادی می‌گردد بیش از هر زمان دیگر احساس می‌شود؛ زیرا نظارت، راهنمایی و ارزشیابی همواره در اجرای مؤثر و موفق برنامه‌های آموزشی نقشی اساسی داشته و دارد. نظارت و راهنمایی آموزشی از زمان پیدایی نظامهای آموزشی به سبک جدید، جزء وظایف مهم مدیران مدارس بوده است. تقریباً در همه نظامهای آموزشی به دلیل اهمیت مسئله آموزش و یادگیری و تأثیر مطلوب آن در آموزش و پرورش جوانان، نظارت و راهنمایی آموزشی جزء لاینفک نقشهای سازمانی محسوب می‌شود. در نظامهای آموزشی اغلب کشورها هدف از قرار دادن نقش نظارت و راهنمایی آموزشی به طور رسمی، حل و فصل مسائل و مشکلات آموزشی معلمان، اصلاح فرایند تدریس و یادگیری، و ارتقای کیفیت عملکرد معلمان و در نتیجه دانش آموزان است.

طرح اندیشه‌ها، نظریه‌ها و روشهای جدید از طرف صاحب‌نظران و متخصصان تعلیم و تربیت با هدف ارتقای کیفیت عملکرد معلمان، کاهش افت آموزشی، جلوگیری از اتلاف وقت و از دست دادن فرصتها، و ارتقا و حفظ نتایج مطلوب آموزشی، ضرورت نظارت و راهنمایی آموزشی را بر مسئولان و مدیران آموزش و پرورش بیش از پیش آشکار ساخته است. اگر چه امروز مسئولان و کارشناسان آموزش و پرورش نسبت به به کارگیری نظارت و راهنمایی آموزشی نگرش مثبتی دارند، به علت محدودیتهای فراوان در ابعاد اقتصادی، ساختاری، و نیروی انسانی متخصص، تاکنون، برنامه‌ریزی مشخص یا اقدام عملی مؤثری در این مورد صورت نگرفته است. با این حال، در پی توسعه روزافزون نظام آموزشی در کشور ما، تغییرات بنیادی در برنامه‌های مدارس و سعی در حفظ و تداوم کیفیت آموزشی و کنترل عملکرد مدارس اهمیت و ضرورت نقش نظارت و راهنمایی آموزشی یک بار دیگر به طور

جدی و هشداردهنده‌ای مطرح شده است.

در مدارس ما، متأسفانه، با اینکه نظارت و راهنمایی آموزشی از وظایف کلاسیک مدیران آموزشی تلقی می‌شود، آنان به علل گوناگون برای اجرای این وظیفه تلاشی نکرده و نمی‌کنند. در بیشتر مدارس که نظارت و راهنمایی آموزشی بر عهده راهنمایان آموزشی است، این وظیفه کاری عادی و اداری تلقی می‌شود که در روند اصلاح وضع آموزشی معلمان تأثیر چندانی ندارد. در نتیجه، مسائل و مشکلات آموزشی معلمان همچنان لاینحل باقی مانده است و مدیران مدارس و راهنمایان آموزشی در چهارچوبهای فعلی و با روشهای کنونی توانایی پاسخگویی به مسائل و مشکلات معلمان و رفع نیازهای آنان را ندارند.

از یک طرف، مدیران مدارس به ایفای نقش نظارت و راهنمایی آموزشی علاقه‌ای ندارند و از طرف دیگر، اکثر معلمان، نظارت و راهنمایی به وسیله مدیرانشان را نوعی مداخله یا ایجاد مزاحمت در کار خود تلقی می‌کنند و اصولاً از این کار بیمناک‌اند، یا تصور می‌کنند که نیازی به اصلاح کار خود ندارند؛ در نتیجه هیچ‌گاه مدیران و معلمان تصور مثبتی از نقش یکدیگر در ذهن نداشته‌اند تا بتوانند با هدف رفع مسائل و مشکلات آموزشی معلمان ارتباط و همکاری نزدیکی با هم داشته باشند. عناصر آموزش و یادگیری، فرایندی عادی در مدارس تلقی می‌شود که تغییر و اصلاح آن و ایجاد نوآوری در آن ضرورت ندارد. عدم توجه به اهمیت نقش نظارت و راهنمایی آموزشی و طرح اندیشه‌ها و روشهای نو در مدارس به تدریج موجب شده است که الگوهای سنتی و غیر مؤثر آموزشی همچنان سبک و سیاق جاری و مسلط در مدارس ما باشد و سرانجام اینکه برای کسب نتایج مطلوب‌تر آموزشی، نوآندیشی، نوگرایی، و نوآوری مورد آزمایش و تجربه قرار نگیرد.

کتاب حاضر برای مدیران مدارس، راهنمایان آموزشی، معلمان و دانشجویان به رشته تحریر درآمده است. نگارش این کتاب بر این فلسفه استوار بوده است که یکی از مهم‌ترین و اساسی‌ترین مسئولیتهای مدیر مدرسه یا راهنمای آموزشی اصلاح پیوسته فرایند تدریس و یادگیری به منظور نیل به هدفهای آموزشی است. با اینکه درس نظارت و راهنمایی آموزشی از دروس پیش‌بینی شده در برنامه مصوب دوره کارشناسی و کارشناسی ارشد رشته علوم تربیتی شاخه مدیریت آموزشی و کارشناسی راهنمایی و مشاوره است، تقریباً هیچ‌گونه منبع معتبر فارسی در این زمینه وجود ندارد و تهیه و تألیف کتابی که پاسخگوی نیازهای

دانشجویان باشد به شدت احساس می‌شود. کتاب حاضر، نتیجه اولین تلاش برای تألیف اثری در زمینه نظارت و راهنمایی آموزشی است - البته باید اذعان کرد که با توجه به محدود بودن منابع خارجی و نبود منابع داخلی در زمینه نظارت و راهنمایی آموزشی نگارش این کتاب خالی از اشکال نبوده است.

هدف اصلی از تدوین کتاب حاضر آشنا کردن خوانندگان با مجموعه‌ای از دانش و معرفت در مورد نظارت و راهنمایی آموزشی است. انتظار می‌رود که با استفاده از مطالب این کتاب دانشجویان و خوانندگان بتوانند تا حدودی دانش و بینش لازم را درباره نظارت و راهنمایی آموزشی کسب کنند و مدیران مدارس و راهنمایان آموزشی نگرش جدیدی نسبت به اهمیت و ضرورت نظارت و راهنمایی آموزشی در آموزش و پرورش و همچنین رهنمودها، راهبردها، و کاربردهای آن در مدارس پیدا کنند و بدین وسیله بر فرایند و نتایج آموزش و پرورش دانش آموزان تأثیر بگذارند.

مقدمه

نظام آموزشی هر کشوری دارای سیر تکاملی ویژه‌ای است که تحت تأثیر عوامل تاریخی، جغرافیایی، سیاسی، اقتصادی - اجتماعی و مسائل خاص فرهنگی آن کشور قرار دارد. اگرچه برخی از رهبران آموزشی کشورها ممکن است تصور کنند دارای بهترین نظام آموزشی جهان هستند، مقایسه نظامهای آموزشی با یکدیگر بیانگر آن است که هر نظام آموزشی معایب و محاسنی دارد که نظامهای آموزشی دیگر فاقد آن‌اند. با توجه به اینکه آموزش و پرورش از دو جنبه آموزش و پرورش تشکیل یافته است که از یکدیگر قابل تفکیک نیستند و در ارزیابی نظامهای آموزشی باید هر دو جنبه را در نظر گرفت، می‌توان دریافت که کشورهای مختلف در این دو زمینه با مسائل و مشکلات متعدد و بسیار متفاوتی مواجه‌اند که مستلزم برخوردها و راه‌حلهای گوناگونی است. بعضی از کشورها در زمینه‌های آموزشی با کمبودها و معضلات فراوانی روبه‌رو هستند، در حالی که برخی دیگر در مسائل پرورشی با مشکلات اخلاقی و اجتماعی بسیاری مواجه‌اند. هم مسائل و مشکلات آموزشی و هم مسائل و مشکلات پرورشی، بالقوه ممکن است در نظامهای آموزشی تأثیرات منفی و مخربی داشته باشد؛ از این رو، به جرأت می‌توان ادعا کرد که تاکنون نظامی «ایدئال» برای آموزش و پرورش جوانان و حل مسائل و مشکلات آنان کشف یا ابداع نشده است، اما رهبران آموزشی درصدد یافتن بهترین، مؤثرترین، و کارآمدترین روشها و طرحها به منظور پاسخگویی به مسائل و مشکلات روزافزون جوانان و جامعه خود و رفع نیازهای آنان هستند.

از آغاز پیدایش آموزش و پرورش رسمی در جوامع تا به امروز تغییرات و تحولات بسیاری در نظامهای آموزشی روی داده است. وقتی که مردم کشورها در دوره‌های خاصی آموزش و پرورش را قادر به پاسخگویی به مسائل و مشکلات و نیازهای خود نیافته‌اند، به اشکال گوناگون نارضایتی خود را بروز داده و توانایی و کارایی مدیران و رهبران آموزش و پرورش را زیر سؤال برده‌اند و بدیهی است امروز هم به مدیریتهای نامطلوب و غیر مؤثر که به از هم گسیختگی آموزش و پرورش منجر می‌گردد اکتفا نخواهند کرد؛ برای مثال، چنانچه

جامعه‌ای قادر نباشد از عوامل مهم و اقتصادی زمان، سرمایه، و کار و تلاش نیروی انسانی به طور اثربخشی در آموزش و پرورش استفاده کند، مدیریت آموزش و پرورش باید در مورد هدر رفتن یا عدم استفاده صحیح از آن عوامل در قبال جامعه پاسخگو باشد؛ زیرا جبران این سه عامل در زمانهای بعدی اگر کاری غیر ممکن نباشد، امری بسیار دشوار است.

صاحب‌نظران آموزش و پرورش عموماً بر این عقیده هستند که کیفیت مدیریت فعالیتهای آموزشی، مهم‌ترین شاخص سطح کفایت و اثربخشی کل برنامه‌های آموزشی است؛ زیرا مدیریت با نقش تعیین‌کننده و مؤثری که در امر هدایت و رهبری فرایندهای آموزش و پرورش در جهت هدفهای آن دارد بالقوه هم می‌تواند موجب پیشرفت آن گردد و هم موجب از هم پاشیدگی آن (علاقه‌بند، ۱۳۶۲). بنابراین، برای استفاده عاقلانه و مقتصدانه از زمان، سرمایه، و کار و تلاش نیروی انسانی به منظور نیل به هدفهای عام آموزش و پرورش در سطح ملی و هدفهای خاص آموزش و یادگیری در سطح آموزشگاهی باید به آموزش و تربیت تخصصی افرادی مبادرت کرد که واجد ویژگیهای بارز و حرفه‌ای مدیریتی هستند؛ به عبارت دیگر، باید سرمایه‌گذاری برای آموزش و آماده‌سازی مدیران آموزشی در آموزش و پرورش در اولویت قرار بگیرد، به حدی که مؤید پیشرفت و ترقی آموزش و پرورش باشد و موجب رکود یا از هم گسیختگی آن نگردد.

به اعتقاد صاحب‌نظران سازمانی یکی از بهترین روشها برای ایجاد و حفظ نظام آموزشی خوب، تربیت افراد کارآمد و متخصص به منظور مدیریت و رهبری این نظام است. مدیریت و رهبری آموزش و پرورش در بسط و توسعه هر حرکت، تصمیم یا برنامه مهمی که برای بهبود شرایط اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی هر جامعه طراحی می‌شود حائز اهمیت بسیاری است. با توجه به اینکه راه‌حلهای نهایی مسائل و مشکلات آموزشی نیز در دست رهبران آموزشی است، باید قابلیتها و تواناییهای بالقوه مدیران تا حد امکان رشد و پرورش یابد. در میان گروه مدیران و رهبران آموزشی، راهنمایان آموزشی از عناصر بسیار مهم به شمار می‌روند و نقش اساسی و مؤثری در تحقق هدفهای آموزشی ایفا می‌کنند.

نظارت و راهنمایی آموزشی از وظایف مهمی است که برای اداره نظام آموزشی خوب ضرورت دارد و هدف اصلی آن اصلاح و بهبود وضع آموزشی است. وجود برنامه‌های نظارت و راهنمایی آموزشی و کیفیت تداوم آن در تحقق هدفهای آموزشی نقش

تعیین کننده‌ای دارد. امروزه، راهنمایان آموزشی به منظور اصلاح وضع آموزشی تحت عنوان رهبران آموزشی با معلمان و به کمک آنان کار و فعالیت می‌کنند و از طریق همکاری حرفه‌ای سعی در ارتقای کیفیت عملکرد معلمان و رفع مسائل و مشکلات آنان دارند. اگرچه برنامه‌های نظارت و راهنمایی آموزشی و عناوین راهنمایان آموزشی در نظامهای آموزشی مختلف متفاوت است، وظایف آنان کم و بیش مشابه است.

راهنمایان آموزشی در نظامهای آموزشی کشورهای مختلف جهان در موقعیتهای گوناگون و ادوار مختلف با عناوینی از قبیل معلم راهنما، معلم سرپرست، معلم مشاور، معلم استاد، معاون آموزشی منطقه، ناظر یا سرپرست آموزشی، بازرس، بازرس آموزشی، رئیس آموزش و پرورش منطقه، هماهنگ کننده برنامه‌های آموزشی، مدیر گروه آموزشی، مشاور تخصصی، برنامه‌ریز امور آموزشی، و راهنمای آموزشی نامیده شده‌اند؛ اما وظیفه اصلی آنان، با هر عنوانی که نامیده شوند و در هر پست و مقامی که خدمت کنند، برقراری ارتباط و کار و همکاری حرفه‌ای با معلمان و کمک به آنان است تا بهتر رشد و پرورش یابند و بدین وسیله فرایند تدریس و یادگیری را اصلاح کنند، عملکرد مؤثرتری داشته باشند و در نهایت، نتایج آموزشی مطلوب‌تری به دست آورند. رشد و پرورش بهتر معلمان به معنای رشد و پرورش بهتر دانش آموزان و نیز موفقیت برنامه‌های نظارت و راهنمایی آموزشی است که رضایت و حمایت عمومی از مدارس را در پی دارد؛ هدفی که نظارت و راهنمایی آموزشی در نظامهای آموزشی درصدد نیل به آن است.